

بررسی و ارزیابی دیدگاه های مداخله در بافت تاریخی فرسوده در جهت احیاء و باززنده سازی

معصومه امیری^۱، علی بنی اسدی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد بین الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

معصومه امیری

Masooome.amiri1294@gmail.com

چکیده

بافت تاریخی شهرها از مهمترین سرمایه های معماری، ملی و فرهنگی هر کشوری است. این بخش نه تنها به لحاظ زیبایی شناختی، تداوم خاطرات جمعی و هویت بخشی به شهرها ارزشمند است، بلکه محل سکونت و معیشت میلیونها نفر از افراد جامعه در گذشته و حال نیز به شمار می رود. امروزه این نواحی در اغلب شهرهای قدیمی در زمره بافت های فرسوده قرار گرفته و کالبد بافت و اطراف آن در حال فراموش شدن یا نابودی و گاه پاکسازی بوده است. بنابراین جلوگیری از فرسودگی بافت های تاریخی و کهن شهری و باززنده سازی آن بمنظور رفع آشفتگی های اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، بصری ضرورت می یابد. اصلی ترین هدف و راهبرد اساسی جهت حفظ و احیاء این بافت فرسوده، انجام اقدامات مداخله ای در این بافت های تاریخی می باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی و ارزیابی بافت های تاریخی و زمینه های ایجاد بافت فرسوده و چگونگی مداخله در این بافت ها پرداخته و با شناسایی روش روش اساسی و شیوه درست مداخله بر آن است تا در جهت باززنده سازی و احیاء بافت تاریخی بر آید تا بتوان ویژگی های دارای ارزش این بافت ها را برجسته نماید و روحی دوباره در کالبد این جسم بی جان دمید.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، بافت فرسوده، مداخله، باززنده سازی

مقدمه

بافتهای تاریخی فرسوده بخش اعظمی از سطح شهرهای کشور را تشکیل می دهند. اگرچه این بافتها به دلیل داشتن مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، عملکردی، ترافیکی و زیست محیطی از عمده چالشهای مدیریت شهری و نظام شهرسازی میباشد، این بافتها علاوه بر وجود مسائل و مشکلات کالبدی، فضای شهری را نیز دچار تنزل نموده و حضور انسان را در فضاهای شهری با معضل رو به رو ساخته اند.

از سویی دیگر این بافتها به دلیل قدمت و در اکثر موارد فرسودگی و فقدان تأسیسات و خدمات اولیه و ضروری برای زندگی شهری امروز، در پاسخگویی به نیازهای شهروندان خود دچار نارسایی های اساسی می باشند. همین امر خود باعث تخلیه این بافت ها توسط ساکنان بومی و قدیمی و حرکت سکونتی آنان به سمت فضاهای جدید یا پیرامونی شهر گشته و به تبع آن، مهاجرت قشرهای کم درآمد و روستایی به این بافت ها رو به فزونی می گذارد. و با توجه به اینکه این بافت ها که عملاً بستری برای تقابل روابط فرهنگی تاریخی این شهر با جهان محسوب می شوند. شهرسازی جدید و امروز حاکم با مفهوم غیر بومیشان همخوانی نداشته و به همین سبب امکان باززنده سازی آنها فراهم نبوده و این بافت ها عمدتاً در معرض تخریب قرار دارند. حال آنکه در پژوهش حاضر با شناسایی روش اساسی و شیوه درست مداخله در بافت های فرسوده و دارای ارزش، می توان روحی دوباره در کالبد این جسم بی جان دمید و در جهت احیاء و باززنده سازی آنها اقدام کرد.

۱- مفهوم بافت

بافت شهر عبارت است از در هم تنیدگی فضاها و عناصر شهری به تبع شرایط طبیعی، به ویژه توپوگرافی و اقلیم به طور فشرده یا گسسته و بانظم خاص در محدوده شهر؛ یعنی بلوک ها و محلات شهر جایگزین شده اند (فرید، ۱۳۷۳).

۱-۱- بافت تاریخی

بافت کهن به آن نوع یکدستی سکونت و انسجام فضاهای کالبدی گفته می شود که متعلق به نظم اجتماعی قدیم است که در آن نظام زندگی اجتماعی با نظام زندگی اجتماعی امروزی فرق داشت. اصولاً بافت کهن، بافتی می باشد که در فرایند زمانی طولانی شکل گرفته و تکوین یافته و امروز در محاصره تکنولوژی عصر حاضر گرفتار گردیده است. چنانچه این بافت در گذشته به اقتضای زمان دارای عملکردهای منطقی و سلسله مراتبی بوده ولی امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی شده و آنگونه که باید و شاید نمی تواند جوابگوی نیاز ساکنان خود باشد (توسلی، ۱۳۷۳).

۱-۱-۱- ویژگی و ارزش بافت تاریخی

بافت های کهن شهری، جز ارزش تاریخی دارای ویژگی های زیر هستند:

۱. به روز نبودن کالبدی فرسوده و نامناسب، سیمای شهری آشفته و نبود راه های ارتباطی مناسب؛
۲. نبود دسترسی های لازم برای ماشین؛
۳. علت برخورداری از تأسیسات و تجهیزات شهری؛
۴. آشفتگی در ساخت اجتماعی فرهنگی اکثریت ساکن

د - آنچه مهم است، شناخت و دستیابی به ارزشهایی است که سازمان کالبدی شهر کهن تبلور عینی آنهاست، کشف زمان طراحی شهری کهن، به منظور معاصر کردن آن کماکان در دستور کار قرار دارد.

- ارزش تاریخی: بافت های دارای ارزش تاریخی می باید دوره ای از تاریخ را که بدان تعلق دارند به روشنی بیان کنند.

این بافتها هر چند ممکن است خود نمودی از تحول فرهنگی نباشند، اما به سبب نمایندگی دوران خود و نقشی که در بیان فرایند تحول فرهنگی ایفا می کنند، دارای ارزش حفاظتی هستند.

- ارزش فرهنگی: بافت، تبلور کالبدی شیوه های زندگی در دوره های زمانی است که اشکال تکامل یافته ای از برآیند رویارویی

جوامع با محیط طبیعی، محیط مصنوع و حیات جاری در هر دوره را نمایندگی می کند.

-**ارزش شهری و معماری:** مراد از ارزش شهری و معماری ارزشی است که به سبب مهارتی ویژه و استثنایی در ایجاد بافت شهری، فضای شهری، مجموعه ها و بناها در روند تحول معماری و شهرسازی نقش ایفا می کند. این ارزشمندی در ابعاد متفاوت از جمله در ساختار، مورفولوژی، سبک، فناوری، استفاده از مصالح، تزئینات و یاترکیبی از آنها بارز می گردد.

-**ارزش سیاسی و اجتماعی:** منظور از ارزش های سیاسی و اجتماعی ارزشهایی است که پاره ای از مکان ها و بناها به سبب آن که در دوره هایی از عمر خود محل رویداد یک پدیده تاریخی، سیاسی و اجتماعی بوده اند. (توسلی، ۱۳۷۳)

۲- فرسودگی

ناکارآمدی و کاهش کارایی یک بافت نسبت به کارآمدی سایر بافتهای شهری است فرسودگی بافت و عناصر درونی آن یا به سبب قدمت و یا به سبب فقدان برنامه توسعه و نظارت فنی بر شکل گیری آن بافت به وجود می آید، پیامد فرسودگی بافت که در نهایت به از بین بردن منزلت آن در اذهان شهروندان منجر می شود، در اشکال گوناگون از جمله کاهش و یا فقدان شرایط زیست پذیری و ایمنی و نیز نابسامانی های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و تأسیساتی قابل دریافت و شناسایی است. (حائری، ۱۳۸۶)

۱-۲- بررسی زمینه های فرسودگی و فرایند ایجاد بافت های فرسوده شهری

زمینه های مؤثر در ایجاد فرسودگی محیط های شهری، ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست محیطی حقوقی و مدیریت شهری را شامل می شود. این موارد که از آنها به عنوان عوامل بستر ساز فرسودگی نام برده می شود، موجب نامناسب شدن محیط زندگی شده و نموده های منفی و کارکردی مخربی را برای این مناطق به همراه می آورد. عوامل بستر ساز فرسودگی با نمونها و نشانه های مختلف ملازم آنها موارد زیر را شامل می شود: (عندلیب و حاجی اکبری، ۱۳۸۷)

- عوامل اقتصادی که رکورد فعالیت ها و سکونت اقشار کم درآمد را به همراه داشته و موجب افت قیمت زمین و مسکن و توقف ساخت و ساز در این مناطق می گردد.

- عوامل اجتماعی فرهنگی که مشکلات و ناهنجاری های اجتماعی فرهنگی از علائم آن است.

- عوامل کالبدی که ناپایداری ابنیه و ناکارآمدی زیر ساختها از نشانه های آن به شمار می رود.

- عوامل زیست محیطی که انواع آلودگی (آب، آب و آلودگی های صوتی و بصری) و نیز کمبود پوشش گیاهی و عناصر طبیعی را شامل می شود.

۲-۲- ویژگی بافت فرسوده

الف - فرسودگی کالبدی؛

ب - عدم دسترسی به درون بافت؛

پ - فقدان تأسیسات زیربنایی مناسب؛

ت - مشکلات زیست محیطی و بالا بودن حجم آلودگی؛

ث - کمبود امکانات گذران اوقات فراغت؛

ج - فقر و محرومیت؛

د - آسیب پذیری در برابر زلزله؛

ه - سرانه کم خدمات؛

و - تراکم ساختمان های کم دوام؛

ی - ناامنی و معضلات اجتماعی (جهان شاهی، ۱۳۸۲)

۳- دیدگاه های مداخله در بافت فرسوده و انواع مداخله

اصولا هدف مداخله در بافت های شهری، یافتن راه حل های بهینه برای مسائل و مشکلات زیستی شهروندان است. در برنامه ریزی های فیزیکی یا کالبدی شهر اصولا بدون توجه به ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان نمی توان به اقداماتی اساسی و بنیادی

دست زد. هرگونه مداخله در بافت های شهری باید نظام ارزشی، ایدئولوژیکی و اقتصادی شهر را مورد توجه قرار دهد. به عبات دیگر هرگاه در نوسازی شهری شرایط و زمینه های توسعه اقتصادی و اجتماعی فراهم شود، روند کار سریعتر و محصول آن پایدارتر خواهد بود. بر اساس این نوع نگرش است که تهیه و اجرای طرح ها، همگام و همزمان با توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در سطح شهر صورت می گیرد. تلفیق برنامه های توسعه فیزیکی کالبدی با برنامه های توسعه اقتصادی اجتماعی توسعه پایدار شهری را فراهم می آورد.

امروزه بیشتر توصیه می شود که با توجه به ویژگی ها و مسائل هر نوع بافت، برنامه ای جامع، چند بعدی و هماهنگ با ویژگی های آن تدوین گردد. تفکیک ویژگی های هر بخش از پیکره شهر به لحاظ ساختاری، موجب تدوین راهکارهای متناسب با سازمان اجرایی آن بخش خواهد شد. بنابراین در نخستین مرحله باید مطالعات مربوط به زمینه سنجی و امکان سنجی انجام شود. با توجه به ابعاد مسأله و اهداف نهایی آن، حوزه های این مطالعات زمینه های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و غیره را در بر خواهند گرفت. بنابراین در این مجال مداخله در بافت های فرسوده شهری را از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار می دهیم. (شعاعی و پوراحمد، ۱۳۸۴)

۳-۱- مداخله در بافت های فرسوده شهری از دیدگاه کالبدی

نخستین مسأله ای که در امر مداخله در بافت های فرسوده مد نظر است، جنبه کالبدی آن می باشد. بافت های فرسوده با معضلات متعددی از لحاظ کالبدی مواجه هستند. مهمترین آنها ناپایداری ابنیه و عدم ایمنی ساکنان است. بناهای این بافت ها به علل گوناگون از جمله قدمت، استفاده از مصالح بی دوام و یا کم دوام و عدم رعایت صحیح شیوه های ساخت و ساز از استحکام و پایداری لازم برخوردار نیستند. مسأله دوم عدم کارایی و ناتوانی این بافت ها در پاسخگویی به نیازهای شهروندان است. دسترسی های نامناسب و نفوذ ناپذیری این بافت ها، علاوه بر اینکه عملیات امداد رسانی در مواقع خطر را با مشکل مواجه می سازد، باعث ایجاد ترافیک سواره و گاه عدم امکان دسترسی سواره ساکنان به بافت می شود. همچنین این معابر به دلیل دارا بودن پیچ و خم بسیار و عدم امکان نظارت مردم و مسئولان، زمینه بروز مشکلات اجتماعی عدیده ای از جمله خرید و فروش مواد مخدر، حضور معتادان، وقوع جرم و ... را فراهم می آورند. مسائل دیگر این بافت ها، عدم وجود و یا کمبود و تأسیسات و تجهیزات شهری، ریزدانه های قطعات مسکونی، همجواری کاربری های ناسازگار و کیفیت نامطلوب بصری می باشد. (شعاعی و پوراحمد، ۱۳۸۴)

هرگونه مداخله کالبدی در بافت های شهری باید با هدف حل این مسائل و ارتقاء کیفیت سکونت انجام گیرد. چنین مداخله ای موارد زیر را باید مد نظر قرار دهد :

تغییر الگوی سکونت در بافت (آزادسازی سطوح بیشتر برای فضاهای خدماتی، افزایش سرانه خدماتی، سرانه مسکونی و ...)

اصلاح و تقویت دسترسی ها

افزایش سطح سرانه فضای باز به منظور تسهیل امداد رسانی در هنگام وقوع حادثه

۴- تغییر کاربری و ایجاد کاربری های لازم جهت رفع کمبود خدمات

ساخت و سازهای جدید با هدف مقاوم سازی

۶- حفظ یکپارچگی بافت

۷- حفظ و ارتقای پیوستگی بافت با کل شهر

۸- رفع همجواری های ناسازگار

۹- حذف عوامل آلاینده محیط زیست

در صورت توجه به این موارد است که مداخله کالبدی در بافت های فرسوده می تواند نتایج قابل توجهی در زمینه رفع فرسودگی، توسعه بافت و ارتقاء کیفیت سکونت در پی داشته باشد. (شعاعی و پوراحمد، ۱۳۸۴)

۳-۲- مداخله در بافت های فرسوده شهری از دیدگاه اجتماعی

در نوسازی اجتماعی است که حس تعلق به مکان معنا پیدا می کند و مکان هویت می یابد. این امری است که در بسیاری از موارد در جابجایی های جمعیت نادیده انگاشته می شود. آنچه باید همواره مدنظر باشد این است که مداخله در بافت های شهری امری کاملاً اجتماعی

است و با فرهنگ جامعه در ارتباط است. تا آنجا که می‌توان گفت شکلی که شهر به خود می‌گیرد تجلی فرهنگ جامعه است. از اینرو انتخاب روشها و گزینه‌های مناسب برای مداخله می‌تواند خطر دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از جابجایی جمعیت را کاهش دهد و بجای سودآوری‌های اقتصادی، سودآوری‌های اجتماعی را در پی داشته باشد آنچه تاکنون در جوامع شهری در قالب برنامه‌ها و طرح‌های نوسازی اتفاق افتاده، بیانگر این مضمون است که مداخله در بافت‌های شهری عملاً به ساماندهی سازمان فضایی کالبدی می‌انديشد، حال آنکه آنچه در واقع باید مدنظر باشد، نوسازی اجتماعی است. در نوسازی اجتماعی است که احساس تعلق به مکان معنا پیدا می‌کند و مکان هویت می‌یابد. این امری است که در بسیاری موارد در جابجایی‌های جمعیت نادیده انگاشته می‌شود. این جابجایی‌ها، قبل از آنکه امری اختیاری باشد جنبه اجباری یافته است که می‌تواند طیفی از اخراج تا اقدام خودانگیخته یا اختیاری را در بر داشته باشد. ساکنانی که در ازای دریافت غرامت مطابق میل خود وافق جابجایی هستند نیز در واقع مجبور به انجام این کار می‌باشند.

شهرسازی تعویضی علی‌الاصول، خواه با پرداخت غرامت و خواه بدون آن، هیچگاه به مکان آتی اخراج شدگان از بافت نمی‌انديشد و به همین دلیل مداخله در بافت‌های شهری به شکل‌گیری ساخت و سازهای بی‌رویه، بی‌شکل، بی‌هویت و ناپایدار در حومه‌ها می‌انجامد که از اولین روز پیدایش در زمره بافت‌های فرسوده قرار می‌گیرند. در جابجایی‌ها و شهرسازی تعویضی این دیوارها و کالبد‌ها نیستند که فرو می‌ریزند، بلکه سازمان اجتماعی فرهنگی یک بافت است که از هم پاشیده می‌شود؛ به همان اندازه که برپا ساختن دیوارهای نو ساده است، برپا داشتن سازمان اجتماعی جدید دشوار خواهد هویتی و ... می‌انجامد (هنرور، ۱۳۸۰).

برخورد قهری و تخلیه اجباری (جز در مواردی که خطر پذیری بسیار بالا وجود دارد) نه تنها به حل مسأله کمک نکرده است بلکه بر دامنه اثرات اجتماعی آن و بروز ناهنجاری‌های اجتماعی نیز افزوده است. لذا برخورد با این مسأله را باید در چارچوب سیاست‌های اصلاح تدریجی پی گرفت که از یک طرف تأکیدی بر رعایت حداقل حقوق انسانی این افراد و از طرف دیگر کنترل و هدایت مجدد مقوله اسکان آنهاست. سیاست‌های اصلاح طلبانه در برخورد با این بافت‌ها، به تدریج روند تکاملی را طی خواهد کرد و به سمت استراتژی‌های تشکیل سرمایه‌های اجتماعی و انسانی سوق پیدا خواهد کرد. نکته‌ای که در مداخله در بافت‌های شهری حائز اهمیت می‌باشد، امر مشارکت مردمی است. هرگونه مداخله در بافت‌های زنده شهری بدون مشارکت مردم به نتیجه نمی‌رسد. امروزه مشارکت مردمی تعابیر متفاوتی پیدا کرده است که اغلب آنها در واقع سوء تعبیر است. مشارکت به معنای واقعی آن یعنی شرکت فعال شهروندان در حیات مدنی خویش در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... مشارکت به معنای همکاری چند سوبه بین بخش دولتی (اغلب نامنعطف در ضوابط، قوانین، معیارها و مقررات)، بخش خصوصی (اغلب سودطلب، گریزان از قانون و ضوابط و مقررات و ...) و بخش عمومی یعنی مردم و نهادهای مردمی (اغلب ناتوان در سازماندهی اجرایی و مالی، نوآور، منعطف و ...) می‌باشد. و این میسر نخواهد شد جز از طریق دگرگونی در نظام بی‌انعطاف دولتی، نهادینه کردن بخش خصوصی و اعتبار یافتن بخش عمومی در مداخلاتی که ابعاد اجتماعی مسأله نیز مدنظر بوده است. به دنبال ایجاد یکسری تغییرات اصولی در فرآیند اسکان گروه‌های کم درآمد شهری، ساختاری ایجاد می‌گردد که عملاً مردم کم درآمد نیز توان لازم را جهت همراهی و اجرای پروژه‌های مورد نیاز خود بازابند و با ظرفیت‌سازی و ایجاد نهادهای لازم (غیردولتی) و بالابردن توانمندی‌های گروه‌های اجتماعی (از طریق برنامه‌های آموزشی، بهداشتی اجتماعی، اقتصادی و...) زمینه جهت تحقق اهداف مورد نظر مهیاگردد. پیامدهای اجتماعی این نوع مداخله در بافت‌های فرسوده شهری را می‌توان اینچنین بیان کرد (هنرور، ۱۳۸۰):

۱- ارتقای شأن سکونتی بافت

۲- گذر کردن بافت از حاشیه به متن شهر

۳- اعتمادسازی متقابل بین ساکنان و متولیان امر

۴- تأمین حق امنیت سکونت (حق اقامت و مالکیت)

۵- مشارکت ساکنان در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیر

۶- ایجاد مراکز سرزنده، فعال و با هویت در بافت جهت افزایش تعاملات اجتماعی

۷- کاهش بیکاری، جرم و بزه

۸ - تشکیل سازمان های غیردولتی داوطلبانه جهت حمایت از فرآیند توسعه

۹- توجه خاص به گروه های آسیب پذیر به ویژه زنان و جوانان

۱۰- پرورش قابلیت های متناسب با توانایی، مهارت و دانش

۳-۳- مداخله در بافت های فرسوده شهری از دیدگاه اقتصادی

ارتباط متقابل میان تغییرات کالبدی شهرها و تحولات اقتصادی در سطوح مختلف محلی، منطقه ای، ملی و حتی بین المللی، امروزه به عنوان یکی از محورهای پژوهش، توجه نظریه پردازان و محققان را به خود جلب نموده است. آنچه که مسلم است شهر تنها در قالب مجموعه ای از ساختمان ها، خیابان ها، پارک ها و ... تعریف نمی شوند. این مکانها محصول فرآیندی برای افزایش کارایی ها، تحرک عوامل تولید، گسترش نوآوریها و پاسخگویی به نیازهای جوامع انسانی ایجاد شده و توسعه یافته اند. به عبارت دیگر ساخت کالبدی شهرها منشأ اقتصادی داشته و سهم مهمی را در تاریخ توسعه اقتصادی کشورها ایفا نموده اند. رابطه میان ویژگی های کالبدی شهرها و مؤلفه های اقتصادی موجب می گردد تا در مواقعی بتوان از طریق برنامه ریزی های کالبدی به اهداف اقتصادی دست یافت و یا با اجرای برنامه ریزی های اقتصادی به حل مسائل کالبدی پرداخت. ارتباط متقابل میان ساختار کالبدی شهرها و مؤلفه های اقتصادی موجب می شود تا اغلب مداخلات در بافت کالبدی شهرها با بازتاب اقتصادی همراه باشد. این بازتاب بر روی ساخت کالبدی شهرها منعکس شده و تغییرات دوره ای را در پی خواهد داشت (اردشیری، ۱۳۸۳).

۴- مفهوم باززنده سازی بافت شهری

باز زنده سازی شهری معاصر تنوعی از موضوعات و مسائل را در بر می گیرد و از آنجایی که شهرها در حال تغییر و تحول دائمی هستند، این موضوعات و مسائل نیز تحت تأثیر محرکها و متغیرهای گوناگون درونی و بیرونی به طور دائم تغییر می یابند. از این رو ارائه یک تعریف از مفهوم باز زنده سازی شهری به طور گریزناپذیری نیازمند یک رویکرد یکپارچه و تحلیل جامع از پویایی و تغییرپذیری شرایط در شهرهای معاصر می باشد. باز زنده سازی شهری به منظور بازگرداندن زندگی دوباره به جوامع و اقتصاد شهری و همچنین بهبود بخشیدن به اراضی فرسوده و فعالیتهای ناکارآمد جاری در آن و ایجاد فرصت های نوین و محیط زیست بهتر برای نسلهای بعدی انجام می گیرد (پیتر رابرتز در کتاب "راهنمایی در زمینه باز زنده سازی شهری" (منتشر شده توسط "انجمن باز زنده سازی بریتانیا" به عنوان یک کتاب مرجع)، باز زنده سازی شهری را اینگونه تعریف می کند: "چشم انداز و در پی آن اقدام یکپارچه و جامعی که به حل مشکلات شهری انجامیده و می کوشد بهبود مستمر و پایداری را در شرایط زیست محیطی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی بخشهای تغییر یافته یا در آستانه تغییر شهر به ارمغان آورد. (حناجی و همکاران، ۱۳۸۶)

۴-۱- ابعاد چندگانه باززنده سازی

با توجه به تعاریف ارائه شده، امروزه هدف از باز زنده سازی شهری، در نظر گرفتن پیچیدگی و پویایی شهر است. باز زنده سازی شهری پروژه ای است چند بعدی، مربوط به موقعیت های شهری گوناگون، معطوف به بازه های زمانی متفاوت که به طور هم زمان نگاه به گذشته، حال و آینده دارد. بر پایه نگاهی دقیق تر به این تعاریف و همچنین مروری بر اسناد برخی تجارب موفق باز زنده سازی شهری از جمله "راهنمایی برای باز زنده سازی شهری در مناطق مدیترانه ای" منتشر شده در سال ۲۰۰۴، سند "چارچوب باز زنده سازی شهری بخش شرقی منچستر ۲۴" که به عنوان یکی از تجارب موفق انگلستان در قالب دو سند راهبردی (در بازه های زمانی ۲۰۰۸-۲۰۰۰ و ۲۰۰۸-۲۰۱۸) ارائه شده و همچنین اسناد باز زنده سازی و مرمت شهری سالهای اخیر شهرهای نیویورک و بالتیمور ۲۵ به عنوان دو نمونه از تجارب باز زنده سازی شهری آمریکایی، می توان ابعاد مهم باز زنده سازی شهری را در هفت بخش اقتصادی (جذب سرمایه گذار، ایجاد فرصتهای شغلی و نوسازی اقتصاد شهری)، اجتماعی (افزایش انسجام اجتماعی و روحیه مشارکت پذیری و افزایش سرمایه اجتماعی)، زیست محیطی (مقابله با آلودگی های محیطی و بهبود کیفیت زندگی)، فرهنگی (ارتقای میراث فرهنگی و توریسم شهری)، عملکردی (بهبود شبکه دسترسی، شبکه حمل و نقل همگانی و کیفیت زیرساختهای شهری)، کالبدی فضایی (ارتقای کیفیت کالبدی ساختمان ها،

ایجاد شبکه ای منسجم از فضاهای همگانی، ایجاد فضاهای همگانی نقش انگیز و خوانا (ومدیریتی (ایجاد مدیریت منسجم و یکپارچه، بازنگری در قوانین و مقررات، ایجاد همکاری میان بخش های خصوصی و دولتی) دسته بندی کرد. (حناچی و همکاران، ۱۳۸۶)

البته این دسته بندی به معنای عدم تاثیرگذاری متقابل ابعاد مختلف باز زنده سازی شهری بر یکدیگر نیست، بلکه به دلیل پویایی و پیچیدگی مسأله شهر، این ابعاد بر روی یکدیگر تأثیر گذاشته و از هم تأثیر می پذیرند. برای مثال، توریسم شهری، هم می تواند در ارتباط با بعد فرهنگی و میراث فرهنگی شهر قرار گیرد و هم می تواند پایه جدیدی برای اقتصاد شهر به شمار آید. همچنین بهبود شرایط زیست محیطی و ارتقای روحیه مشارکت پذیری در افزایش تمایل به سرمایه گذاری مؤثر خواهد بود.

۴-۲- سه رویکرد باززنده سازی

باز زنده سازی دخالت آگاهانه در فضای شهری برای جلوگیری از فرسایش و خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی های اصلی و اصیل فضای این واژه به مجموعه اقداماتی اطلاق می شود که با حداقل مداخله در کالبد ها به منظور حذف و کاهش فرسودگی عملکردی، کالبدی و بصری انجام می گیرد. و در قالب سه رویکرد زیر نمود می یابد(مرادی، ۱۳۸۲)

۴-۲-۱- بهسازی

درباره بهسازی تعاریف متعددی از طرف متخصصان و صاحب نظران شهر و شهرنشینی ارائه شده است که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره شده می شود. بهسازی به سلسله اقداماتی گفته می شود که به منظور ابقا و بهبود کالبد و فضای شهر در کوتاه مدت صورت می گیرد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۱۸)

بهسازی شامل سلسله اقداماتی که به منظور بهبود کالبد که در نتیجه فرسایش فعالیت تحقق یافته است در کوتاه مدت صورت می پذیرد در واقع بهسازی زمانی صورت می گیرد که فرسودگی نسبی فضا از لحاظ عملکردی حادث شده باشد در این نوع مداخله اصل بروفاداری به گذشته و حفظ آثار هویت بخش در آنهاست. در اقدامات مربوط به بهسازی، مداخل های چشم گیر در کالبد صورت نمی گیرد. زیرا کالبد در شرایط مناسبی به سر می برد و تنها با جایگزینی عملکرد مناسب فعالیت، از فرسایش فضای شهر جلوگیری می شود. بنابراین، با ایجاد تغییراتی در فعالیت های شهری، می توان شاهد فضاهای شهری مطلوب بود.

۴-۲-۲- نوسازی

نوآوری و توانبخشی نواحی، شهری فرسوده یا بهبودسازی این نواحی مانند وارد کردن خدمات مدرن و جدید به نواحی مسکونی قدیمی و یا از طریق روان بخشی کوچه ها یا سازماندهی تخریب همه ساختمانهای موجود و ساختن دوباره آنها صورت پذیرد

در این نوع مداخله، حد وفاداری به گذشته از اعتداف پذیری بیشتری برخوردار است و بر حسب مورد از مداخله اندک تغییر را می تواند شامل گردد. فعالیت نوسازی با هدف افزایش کارایی و بهره وری، بازگرداندن حیات شهری به بافت این عمل بر خلاف بهسازی می تواند به ایجاد فضاهای شهری جدیدش بیانجامد و به گفت و گوی خلاق بین گذشته و آینده مدد رساند(مرادی، ۱۳۸۲)

نوسازی زمانی انجام می شود که فضای شهری، مجموعه و یا بنا از کارکردی مناسب و معاصر برخوردار بوده ولی فرسودگی نسبی کالبدی فضایی سبب کاهش بازدهی و کارایی آن شده است.

نوسازی مجموعه اقداماتی را شامل می شود که در عین حفاظت بنا، و یا فضاهای شهری مهن سازمان فضایی مربوط را معاصر سازی نموده و امکان بازدهی بهینه آن را فراهم آورد. در نوسازی بر فعالیت دائمی فضا تاکید شده و با ایجاد تغییراتی در کالبد، آن را معاصر می کند؛ و به ایجاد فضای شهری مناسب منجر می شود، پس نوسازی شهری نیز در سر در معیارسازی دارد. (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۴)

۴-۲-۳- بازسازی

به مجموعه فعالیت هایی اطلاق می شود که پس از تخریب بیش از نیمی از اثر، مجددا اثر یا بهره ای جدید و یا کاملاً منطبق با اصول خویش ساخته شود. معمولاً عمل بازسازی را به هنگام آتش سوزی، زمین لرزه یا جنگ به کار می برند بازسازی به معنای از نوع ساختن است. بازسازی زمانی صورت می گیرد که در بنا، مجموعه و یا فضای شهری فرسودگی به صورت کامل ایجاد شده باشد. فرسودگی کامل معمولاً بر اثر فرسودگی(نسبی یا کامل) فعالیت و کالبد و توامان صورت می پذیرد. این امر معمولاً برای ایجاد حیات جدید در سازمان فضایی فرسوده)

بنا مجموعه، بافت) به کار می‌رود. امروزه آنچه از سازسازی مراد می‌شود ایجاد فضای شهری معاصر یا سازمان فضایی دید و موزونی است که بتواند گفت و گوی خلاق بین گذشته و آینده را نشان دهد. (حبیبی و مقصودی ۱۳۸۴)

در این نوع مداخله نه تنها هیچ الزامی برای حفظ گذشته وجود ندارد بلکه با هدف ایجاد شرایط جدید زیستی و کالبدی فضایی و از طریق تخریب اکساز و دوباره سازی صورت می‌پذیرد. در این حالت فضای شهری در چهره‌های جدید یا در صورت اصل خویش روابطی کاملاً جدید را بیان می‌کند.

۵- نتیجه گیری

بافت های تاریخی، از مهمترین بخش های نواحی شهری امروزی را تشکیل می دهند، آنها انعکاس حضور زنده گذشته ای هستند که آنها را شکل داده است. این مکان های با اهمیت فرهنگی، غالباً احساسی عمیق از پیوند با گذشته و تجربه های زنده، فراهم می آورند و به مانند اسنادی تاریخی، به عنوان نمادهای محسوس هویت، واجد اهمیت می باشند. تحولات زندگی شهرنشینی چند دهه اخیر بافت‌های قدیمی را با مشکلات عدیده‌ای در ابعاد مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی تاسیسات و تجهیزات شهری و سایر امکانات شهری مواجه ساخته است که همه این عوامل دست به دست هم داده و زمینه مناسبی را برای فرسودگی این بافت های با ارزش و تاریخی فراهم نموده است. لذا موضوع احیا و ساماندهی شهرهای تاریخی اهمیت می یابد و تلاش برای حفاظت از آنها با برنامه مرمتی و احیاء به همراه اصول اجرایی مدون و روشهای اقدام مناسب، امری ضروری محسوب می شود. در این پژوهش به شناخت و ویژگی های بافت تاریخی فرسوده و انواع دیدگاه های مداخله در آن پرداخته شد که بنا بر این هدف مداخله یافتن راه حل های بهینه برای مسائل و مشکلات در زمینه و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و ... می باشد که با توجه باززنده سازی و رویکردهای ان اعم از بهسازی، نوسازی، و بازسازی در جهت ساماندهی و احیاء این بافت های فرسوده بر می اییم تا بتوان تا حدودی پاسخگوی نیازهای زندگی امروز در این بافت های تاریخی در تمامی ابعاد مذکور باشیم. آنچه در این بین مهم است وجود جریان زندگی است که با روشها و اقدام های مناسب باززنده سازی و احیاء بتواند در روح و کالبدهای کهن اتفاق بیفتد.

منابع و مراجع

- [۱] اردشیری، م، بررسی بازتابهای اقتصادی مداخله در بافت کالبدی شهرها، هفت شهر، شماره ۳، مهر ۱۳۸۳
- [۲] توسلی، م، بافت قدیم، مقدمه ای بر مسئله، سمینار تداوم حیات در بافت قدیم شهرهای ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، بهار ۱۳۷۲
- [۳] حبیبی، م، مقصودی، م، اصطلاحات و واژه شناسی مرمت، فصلنامه هفت شهر، شماره ۱۲ و ۱۳، تهران، مهر ۱۳۸۲
- [۴] جهانشاهی، م، سیمای شهر، قلیل بافت های فرسوده و مشکل ساز شهری و راهبردهای آن، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۵ اسفند ۱۳۸۲
- [۵] حائری، م، طراحی از کالبد شهر ایرانی، بررسی گونه شناسانه بافت شهری در قرن چهاردهم هجری، خلاصه مقالات تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، آبان ۱۳۸۶
- [۶] حناچی س، ضرورت باززنده سازی بافت های قدیمی شهرهای ایران، مجموعه مقالات بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده و ناکارآمد شهر تهران، بهمن ۱۳۸۲
- [۷] عندلیب، و، حاجی اکبری، ب، ۱۳۸۷، بازسازی بافتهای فرسوده حرکتی نو در شهر تهران، جلد هفتم، تهران، انتشارات سازمان نوسازی شهر تهران
- [۸] فرید، ی، ۱۳۷۳، جغرافیا و شهرشناسی، چاپ سوم، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز
- [۹] هنرور، ن، بررسی تحول قطعهنامه های مرمت تحول شهری در ایران، هفت شهر، اسفند ۱۳۸۰
- [۱۰] شمعی، غ، پوراحمد، ا، ۱۳۸۴، بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، چاپ دوم، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران